

به نام خدا

کلاس و خلاقیت

مؤلف :

فهمیه کامل

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه : کامل، فهیمه، ۱۳۶۲-
 عنوان و نام پدیدآور : کلاس و خلاقیت / مولف فهیمه کامل.
 مشخصات نشر : ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران) ، ۱۴۰۲.
 مشخصات ظاهری : ۱۴۳ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۵۶۸-۰
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : آموزش و پرورش -- نوآوری
 تدریس خلاق
 خلاقیت
 اندیشه و تفکر خلاق در کودکان
 رده بندی کنگره : LB۱۰۲۷/۳
 رده بندی دیویی : ۳۷۱/۳
 شماره کتابشناسی ملی : ۹۴۷۶۵۲۹
 اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

Educational innovations
 Creative teaching
 Creative ability
 Creative thinking in children

نام کتاب : کلاس و خلاقیت
 مولف : فهیمه کامل
 ناشر : ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)
 صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
 تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
 نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۲
 چاپ : زبرجد
 قیمت : ۱۱۶۰۰۰ تومان
 فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۵۶۸-۰
 تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

مقدمه	۵
فصل اول	۹
مبانی خلاقیت و نوآوری	۹
پرورش بذر خلاقیت: رهاسازی تخیل در آموزش	۱۰
پذیرش ذهنیت نوآورانه: الهام بخشیدن به فرهنگ کنجکاو	۱۳
فراتر از مرزهای متعارف: بازتعریف خلاقیت در آموزش	۱۷
پرورش مبتکران فردا: پرورش ذهنیت رشد	۲۰
نقش بازی و اکتشاف: از خلاقیت تا نوآوری	۲۲
مریبان به عنوان مبتکر: مدل سازی رویکردهای تدریس خلاق	۲۵
فصل دوم	۲۹
ایجاد یک محیط یادگیری خلاق	۲۹
فضایی برای تخیل: طراحی کلاس درس که الهام بخش خلاقیت باشد	۳۰
مدیریت منابع خلاق: ادغام هنر، فناوری و طبیعت	۳۲
ایجاد پناهگاه امن برای خلاقیت: تشویق ریسک پذیری و آزمایش	۳۶
قدرت همکاری: پرورش جامعه ای از یادگیرندگان خلاق	۳۹
مشارکت معلم و دانش آموز: توانمندسازی دانش آموزان برای شکل دادن به تجربه یادگیری خود	۴۲
فصل سوم	۵۱
رهاسازی خلاقیت در سرتاسر برنامه درسی	۵۱
القای خلاقیت در موضوعات اصلی: از ریاضی تا ادبیات	۵۲
خلاقیت در علم و اکتشاف: پرورش نوآوران جوان	۵۵
هنر بیان خلاق: کاوش در هنرهای بصری، نمایشی و نوشتاری	۵۸

فراتر از تعالی تحصیلی: اولویت دادن به تفکر خلاق و توسعه مهارت.....	۶۶
فصل چهارم	۷۱
توانمندی‌سازی خلاقیت دانش آموز محور	۷۱
پرورش مالکیت: دانش آموزان به عنوان شرکت کنندگان فعال در فرآیند خلاقیت.....	۷۲
یادگیری مبتنی بر تحقیق: برانگیختن کنجکاوی و الهام بخشیدن به سؤالات خلاق.....	۷۴
یادگیری پروژه محور برای نوآوری: از ایده ها تا راه حل های تاثیرگذار	۷۹
فصل پنجم	۸۷
آموزش خلاقیت در عصر دیجیتال	۸۷
فناوری به عنوان یک کاتالیزور برای خلاقیت: استفاده از ابزارها و برنامه ها	۸۸
داستان سرایی دیجیتال: توانمندی‌سازی دانش آموزان برای به اشتراک گذاشتن روایت های منحصر به فرد خود	۹۱
گیمیفیکیشن و یادگیری مبتنی بر بازی: جذب خلاقیت از طریق بازی	۹۳
کاوش های مجازی: باز کردن افق های جدید یادگیری خلاق	۹۶
فصل ششم	۹۹
حفظ فرهنگ خلاقیت و نوآوری.....	۹۹
فراتر از کلاس درس: درگیر کردن والدین و جامعه	۱۰۰
توسعه حرفه ای برای آموزش خلاق: توانمندی‌سازی مربیان	۱۰۲
پرورش ذهنیت رشد برای نوآوری مستمر	۱۰۵
ایجاد یک اکوسیستم خلاق پایدار: مشارکت ها و منابع	۱۰۹
منابع و مآخذ	۱۱۹

مقدمه

در عصری که با پیشرفت‌های سریع فناوری و چالش‌های جهانی در حال تغییر مشخص می‌شود، نقش آموزش فراتر از ارائه محتوای صرف تکامل یافته است. به عنوان مربیان، مسئولیت ما به تجهیز دانش آموزان به مهارت‌های اساسی خلاقیت و نوآوری است که آنها را قادر می‌سازد تا با اعتماد به نفس و نبوغ در پیچیدگی‌های آینده حرکت کنند. این کتاب کاوشی صمیمانه در هنر و علم پرورش خلاقیت و الهام بخشیدن به نوآوری در بین دانش آموزان است.

در فصل اول، سنگ بنای سفر خود را می‌گذاریم و پایه‌های اساسی خلاقیت و نوآوری را بررسی می‌کنیم. ما تعامل بین خلاقیت و نوآوری را بررسی می‌کنیم و خلاقیت را به عنوان جرقه‌ای می‌شناسیم که تفکر نوآورانه را شعله‌ور می‌کند. ما با استفاده از پیشگامان آموزشی و دانشمندان مشهور، به جوهره خلاقیت به عنوان یک ویژگی چندوجهی و ذاتی انسانی که می‌توان آن را پرورش داد و از آن استفاده کرد، کاوش می‌کنیم.

این فصل به اهمیت یک طرز فکر نوآورانه می‌پردازد که جرأت دارد هنجارهای تثبیت شده را زیر سوال ببرد، آزمایش کند و به چالش بکشد. ما تأکید می‌کنیم که خلاقیت محدود به تلاش‌های هنری نیست. بلکه در تمام جنبه‌های تلاش انسان، از اکتشافات علمی گرفته تا کارآفرینی اجتماعی، نفوذ می‌کند. با اذعان به پتانسیل تحول‌آفرین خلاقیت، ما زمینه را برای توانمندسازی مربیان فراهم کردیم تا کاتالیزورهای نوآوری در کلاس شوند.

فصل ۲ بر هنر ایجاد یک محیط یادگیری خلاق متمرکز است که تخیل را پرورش می دهد و تفکر اصیل را تقویت می کند. ما جنبه های فیزیکی و عاطفی فضای یادگیری را بررسی می کنیم، از کلاس های انعطاف پذیر تا قدرت محیط طبیعی. با پذیرش محیطی که کاوش، ریسک پذیری و همکاری را تشویق می کند، پناهگاهی امن برای شکوفایی خلاقیت ایجاد می کنیم.

در این فصل، ما همچنین به نقش محوری مربیان در شکل دادن به محیط یادگیری می پردازیم. ما در مورد استراتژی هایی برای القای خلاقیت در روش های تدریس بحث می کنیم و رابطه یویا بین معلمان و دانش آموزان را تقویت می کنیم. با حمایت از نقش مربیان به عنوان تسهیل کننده، مربی و همکار، فرهنگ ارتباط آزاد را پرورش می دهیم که در آن به هر صدایی ارزش داده می شود و از هر ایده تجلیل می شود.

خلاقیت حد و مرزی نمی شناسد و باید به هر موضوعی در برنامه درسی گسترش یابد. در فصل ۳، ما به کاوش در زمینه آزادسازی خلاقیت در سراسر طیف دانشگاهی می پردازیم. از رشته های **STEM** تا هنر، از ادبیات تا تاریخ، ما به رویکردهای آموزشی نوآورانه ای می پردازیم که خلاقیت را در هر رشته ای القا می کند.

با بررسی پروژه های بین رشته ای و یادگیری مبتنی بر تحقیق، نشان می دهیم که چگونه خلاقیت توانایی دانش آموزان را برای اتصال ایده ها و دیدن جهان از طریق لنزهای متنوع افزایش می دهد. ما همچنین ادغام تخیل و دانش را جشن می گیریم، زیرا دانش آموزان به مشارکت فعال در فرآیند یادگیری خود تبدیل می شوند و آموزش را از جذب غیرفعال به خلق مشترک فعال تبدیل می کنند.

فصل چهارم به توانمندسازی دانش‌آموزان به‌عنوان مشارکت‌کنندگان تجربه آموزشی اختصاص دارد. ما رویکردهای یادگیری دانش‌آموز محور را بررسی می‌کنیم که به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا سفر یادگیری خود را در دست بگیرند، علایق خود را دنبال کنند و علایق خود را کشف کنند. با بهره‌گیری از انگیزه درونی، پتانسیل کامل خلاقیت دانش‌آموز را باز می‌کنیم.

در این فصل، قدرت یادگیری مبتنی بر پروژه و کاوش مبتنی بر تحقیق را مورد بحث قرار می‌دهیم، جایی که دانش‌آموزان درگیر وظایف معتبر و معنادار هستند. همچنین اهمیت دادن استقلال و انتخاب به دانش‌آموزان را بررسی می‌کنیم و به آن‌ها اجازه می‌دهیم خلاقیت خود را به روش‌هایی بیان کنند که با نقاط قوت و علایق فردی آنها همخوانی دارد. از طریق نمونه‌هایی از ابتکارات دانش‌آموز محور و حل مسئله در دنیای واقعی، ما تأثیر تحول‌آفرین توانمندسازی دانش‌آموزان را به‌عنوان عوامل فعال تغییر برجسته می‌کنیم.

در عصر دیجیتال، فناوری به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای آزادسازی خلاقیت و پرورش نوآوری عمل می‌کند. فصل ۵ به نقش فناوری در آموزش می‌پردازد، و بررسی می‌کند که چگونه می‌توان از آن برای مشارکت دادن دانش‌آموزان، تقویت صدای آنها و ایجاد فرصت‌هایی برای همکاری جهانی استفاده کرد.

ما در مورد داستان‌سرایی دیجیتال، گیمیفیکیشن و کاوش‌های مجازی به‌عنوان روش‌هایی برای درگیر کردن بیان خلاق دانش‌آموزان بحث می‌کنیم. علاوه بر این، ما به ملاحظات اخلاقی استفاده از فناوری، پرورش شهروندی دیجیتال مسئول و ترویج سواد دیجیتال می‌پردازیم. با پذیرش متفکرانه فناوری، مربیان می‌توانند از پتانسیل آن برای الهام بخشیدن به خلاقیت و ترویج نوآوری استفاده کنند و دانش‌آموزان را برای آینده‌ای که در آن فناوری و خلاقیت در هم تنیده شده‌اند، آماده کنند.

فصل ششم: حفظ فرهنگ خلاقیت و نوآوری

سفر پرورش خلاقیت و پرورش نوآوری یک تلاش مداوم است. در فصل آخر، استراتژی‌هایی را برای حفظ فرهنگ خلاقیت و نوآوری در محیط‌های آموزشی بررسی می‌کنیم. ما بر اهمیت مشارکت جامعه، مشارکت دادن والدین و جامعه گسترده تر برای حمایت از ارزش خلاقیت در آموزش تاکید می‌کنیم.

توسعه حرفه ای برای مربیان نیز برای حفظ فرهنگ خلاقیت مرکزی است. ما در مورد اهمیت یادگیری مستمر، ارائه منابع و پشتیبانی به مربیان برای اصلاح شیوه‌های آموزشی و پذیرش رویکردهای نوآورانه بحث می‌کنیم.

علاوه بر این، چالش‌هایی را که ممکن است پیش بیاید را بررسی می‌کنیم و استراتژی‌هایی برای غلبه بر آنها ارائه می‌کنیم. با تصدیق و پرداختن به موانع احتمالی، ما به مربیان قدرت می‌دهیم تا تعهد خود را نسبت به خلاقیت و نوآوری حفظ کنند و آن را به بخشی جدایی ناپذیر از اخلاق آموزشی تبدیل کنیم.

"آموزش خلاقیت و پرورش نوآوری در کلاس درس" راهنمای الهام بخش برای مربیان و رهبران آموزشی است که به دنبال پرورش نسلی از متفکران نوآور و یادگیرندگان مادام‌العمر هستند. با پذیرفتن خلاقیت به عنوان نیروی محرکه نوآوری، دانش آموزان را آماده می‌کنیم تا به حلال مشکلات سازگار، متفکران انتقادی و رهبران دلسوز تبدیل شوند. در سراسر این کتاب، ما از قدرت دگرگون‌کننده خلاقیت، نه تنها در پرورش پتانسیل دانش آموز، بلکه در شکل دادن به آینده ای که در آن نبوغ و تخیل راه را برای تغییرات مثبت هموار می‌کند، تجلیل می‌کنیم. همانطور که با هم این سفر را آغاز می‌کنیم، بیایید روح خلاقیت را در قلب دانش آموزان خود روشن کنیم و هنر آموزش نوآوری را برای فردای روشن تر و خلاقانه تر در آغوش بگیریم.

فصل اول

مبانی خلاقیت و نوآوری

پرورش بذر خلاقیت: رهاسازی تخیل در آموزش

خلاقیت یک جنبه اساسی از هوش انسان است که نقش مهمی در حل مسئله، نوآوری و بیان شخصی دارد. در زمینه آموزش، پرورش خلاقیت برای توانمندسازی دانش‌آموزان برای تفکر انتقادی، کشف ایده‌های جدید و آزادسازی تخیل ضروری است. این بخش به اهمیت پرورش خلاقیت در فرآیند یادگیری، روش‌هایی که مربیان می‌توانند برای پرورش خلاقیت به کار گیرند، و مزایای بلندمدت پرورش ذهنیت خلاق در بین دانش‌آموزان می‌پردازد.

ارزش خلاقیت در آموزش را نمی‌توان نادیده گرفت. دانش‌آموزان را تشویق می‌کند تا فراتر از مرزهای مرسوم فکر کنند و به راه‌حل‌ها و ایده‌های بدیع منتهی شوند (سیکسزنت میهالی^۱، ۲۰۱۴، ص. ۸۹). مربیان با پرورش خلاقیت، توانایی دیدن مشکلات از منظرهای مختلف را در دانش‌آموزان القا می‌کنند و درک عمیق تری از مسائل پیچیده را ارتقا می‌دهند (آماییل^۲، ۲۰۱۶، ص ۱۱۲). علاوه بر این، بیان خلاق به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا با افکار و احساسات خود ارتباط برقرار کنند و خودآگاهی و هوش هیجانی را تقویت کنند (کرافت^۳، ۲۰۱۳، ص ۵۵). به این ترتیب، خلاقیت کاتالیزوری برای رشد و توسعه فردی می‌شود.

برای پرورش خلاقیت در آموزش، مربیان باید محیطی ایجاد کنند که کاوش و آزمایش را تشویق کند (سایر^۴، ۲۰۱۴، ص ۷۸). اجازه دادن به دانش‌آموزان برای ریسک کردن و یادگیری از شکست‌ها، انعطاف‌پذیری و شجاعت مقابله با چالش‌ها را تقویت می‌کند (پلاکر و بگتو^۵، ۲۰۱۴، ص. ۴۵). گنجاندن وظایف پایان‌باز و یادگیری مبتنی بر پروژه،

¹ Csikszentmihalyi

² Amabile

³ Craft

⁴ Sawyer

⁵ Plucker & Beghetto

دانش آموزان را قادر می‌سازد تا خلاقیت خود را به کار گیرند و دانش خود را به روش‌های معنادار به کار گیرند (گاجدا^۶ و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۱۰۲). علاوه بر این، ارائه طیف متنوعی از تجربیات یادگیری و قرار گرفتن در معرض اشکال مختلف هنر و ادبیات، تخیل دانش آموزان را تحریک می‌کند (کافمن و استرنبرگ^۷، ۲۰۱۵، ص ۲۱۰). چنین شیوه‌هایی پایه و اساس نسلی خلاق و نوآور در آینده را می‌سازد.

علاوه بر این، همکاری و یادگیری هم‌تا به هم‌تا نقش حیاتی در پرورش خلاقیت ایفا می‌کند (استرنبرگ، ۲۰۱۷، ص ۹۰). فعالیت‌های گروهی دانش‌آموزان را تشویق می‌کند تا ایده‌ها را به اشتراک بگذارند، به دیدگاه‌های مختلف گوش دهند و خلاقیت یکدیگر را تقویت کنند (سایر، ۲۰۱۸، ص ۱۵۰). محیط‌های مشارکتی حس اجتماع و تعلق را تقویت می‌کنند، جایی که دانش‌آموزان احساس قدرت می‌کنند تا آزادانه خود را ابراز کنند (رانکو و جیگر^۸، ۲۰۱۲، ص ۶۷). علاوه بر این، گروه‌های متنوعی از دانش‌آموزان، بینش‌ها و تجربیات منحصربه‌فردی را گرد هم می‌آورند و فرآیند خلاقیت را غنی می‌کنند (کافمن^۹، ۲۰۱۷، ص ۱۲۲). بنابراین، مربیان باید فرصت‌هایی برای همکاری معنادار ایجاد کنند تا خلاقیت جمعی دانش‌آموزان خود را باز کنند.

گنجاندن هنر و رشته‌های خلاقانه در برنامه درسی یکی دیگر از رویکردهای مؤثر برای پرورش خلاقیت است (سیدل^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۷، ص ۱۸۰). آموزش هنر توانایی دانش‌آموزان را برای تفکر انتقادی، مشاهده دقیق و بیان خود از طریق رسانه‌های هنری مختلف افزایش می‌دهد (هتلند^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۳۴۰). درگیر شدن در فعالیت‌هایی مانند نقاشی، موسیقی یا نمایش نه تنها خلاقیت را تقویت می‌کند، بلکه به دانش‌آموزان

⁶ Gajda

⁷ Kaufman and Sternberg

⁸ Ranko and Jaeger

⁹ Kaufman

¹⁰ Seidel

¹¹ Hotelland

کمک می کند تا اعتماد به نفس و انعطاف پذیری خود را ایجاد کنند (بامفورد^{۱۲}، ۲۰۱۴، ص ۹۰). ادغام هنرها با موضوعات دیگر، ارتباطات بین رشته ای ایجاد می کند و دانش آموزان را تشویق می کند تا تفکر خلاق را در زمینه های مختلف به کار گیرند (رابینسون^{۱۳}، ۲۰۱۵، ص ۲۱۰). هنر، در همه اشکالش، به ابزاری قدرتمند برای باز کردن پتانسیل ذهن های جوان تبدیل می شود.

تشویق کنجکاوی و کنجکاوی در توسعه خلاقیت بسیار مهم است (سایمونتون^{۱۴}، ۲۰۱۴، ص ۱۲۲). معلمان باید فضای امنی را برای دانش آموزان ایجاد کنند تا بتوانند سؤال بپرسند، فرضیات را به چالش بکشند و علایق خود را کشف کنند (کرافت، ۲۰۱۶، ص ۷۸). یادگیری مبتنی بر کنجکاوی به دانش آموزان اجازه می دهد تا عمیق تر در موضوعات کاوش کنند و به بینش ها و اکتشافات اصلی منجر شوند (لوونشتاین^{۱۵}، ۲۰۱۶، ص ۵۵). مربیان می توانند با فراهم کردن فرصت هایی برای تحقیق مستقل و یادگیری خودراهبر، کنجکاوی را تقویت کنند (لیتمن و سیلویا، ۲۰۱۶، ص ۹۰). وقتی دانش آموزان تشویق می شوند تا علایق خود را دنبال کنند، احساس عاملیت و مالکیت بر آموزش خود پیدا می کنند و پتانسیل خلاق خود را پرورش می دهند.

تاکید بر فرآیند بر محصول یکی دیگر از جنبه های حیاتی پرورش خلاقیت در آموزش است (کروپلی^{۱۶}، ۲۰۱۵، ص ۱۰۲). در فرهنگ آموزشی مبتنی بر نتایج، دانش آموزان ممکن است برای اولویت دادن به نتایج بر کاوش ایده های خود احساس فشار کنند (استرنبرگ، ۲۰۱۸، ص ۱۲۲). با این حال، ارزش گذاری برای فرآیند خلاقانه و قدردانی از تلاش، دانش آموزان را تشویق می کند تا ریسک کنند و رویکردهای غیر متعارف را کشف

¹² Bamford

¹³ Robinson

¹⁴ Simonton

¹⁵ Loewenstein

¹⁶ Cropley

کنند (ترفینگر^{۱۷} و همکاران، ۲۰۱۷، ص. ۶۷). تجلیل از تجربه و انعطاف پذیری در مواجهه با چالش ها باعث القای ذهنیت رشد می شود که در آن دانش آموزان شکست ها را به عنوان فرصت هایی برای یادگیری و بهبود درک می کنند (دوک^{۱۸}، ۲۰۱۶، ص. ۲۱۰). با تغییر تمرکز از نمرات به رشد، مربیان فرهنگ خلاقیت و نوآوری را پرورش می دهند.

پرورش خلاقیت در آموزش، سرمایه گذاری قدرتمندی برای آینده جامعه است. با فراهم کردن محیطی که کاوش، همکاری و کنجکاوی را تشویق می کند، مربیان می توانند پتانسیل خلاق دانش آموزان خود را پرورش دهند. ادغام هنرها و رشته های خلاقانه در برنامه درسی، تأکید بر فرآیند خلاقیت، و ترویج ذهنیت رشد، استراتژی های مهمی در آزادسازی تخیل در آموزش هستند. وقتی دانش آموزان قدرت تفکر خلاقانه پیدا می کنند، مبتکر، حل کننده مشکل و یادگیرنده های مادام العمر می شوند و دنیایی تخیلی تر و نوآورانه تر را شکل می دهند.

پذیرش ذهنیت نوآورانه: الهام بخشیدن به فرهنگ کنجکاوی

در چشم انداز همیشه در حال تکامل قرن بیست و یکم، نوآوری به نیروی محرکه پیشرفت و موفقیت تبدیل شده است. برای پیشرفت در این دنیای پویا، افراد و سازمان ها باید ذهنیتی نوآورانه را پرورش دهند که کنجکاوی، خلاقیت و تمایل به کشف ناشناخته ها را در بر بگیرد. این بخش به بررسی اهمیت پرورش ذهنیت نوآورانه، نقش کنجکاوی در ایجاد نوآوری، و استراتژی هایی برای الهام بخشیدن به فرهنگی می پردازد که نوآوری را پرورش می دهد و تجلیل می کند.

یک طرز فکر نوآورانه با تمایل به به چالش کشیدن وضعیت موجود، پذیرش ریسک های حساب شده و جستجوی مداوم راه حل های جدید برای مشکلات پیچیده مشخص

¹⁷ Treffinger

¹⁸ Dweck

می شود (دوک، ۲۰۱۵، ص. ۱۰۲). افراد با این طرز فکر، تغییر را به عنوان فرصتی برای رشد و بهبود می پذیرند، نه تهدیدی برای ثبات (هنسی^{۱۹} و آمابیل، ۲۰۱۴، ص. ۷۸). چنین طرز فکری برای موفقیت در دنیایی که به سرعت در حال تغییر است، حیاتی است، زیرا به افراد اجازه می دهد تا با چالش های جدید سازگار شوند و امکانات جدید را متصور شوند (دو^{۲۰}، ۲۰۱۸، ص ۴۵). سازمان ها و مؤسسات آموزشی می توانند با ترویج یک طرز فکر نوآورانه، نیروی کار و بدنه دانشجویی را پرورش دهند که سازگار، انعطاف پذیر و قادر به ایجاد تغییرات مثبت باشد.

کنجکاوی به عنوان سنگ بنای طرز فکر نوآورانه عمل می کند و حس شگفتی و میل به کاوش را برمی انگیزد (لیتمن و سیلویا^{۲۱}، ۲۰۱۵، ص ۹۰). افراد کنجکاو به جستجوی دانش، پرسیدن سؤال و به چالش کشیدن فرضیات سوق داده می شوند (کاشدان^{۲۲} و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۶۷). آنها شکست ها و شکست ها را به عنوان فرصت هایی برای یادگیری و بهبود می بینند تا موانعی برای موفقیت (لیتمن و سیلویا، ۲۰۱۵، ص ۱۰۲). پرورش کنجکاوی در بین افراد باعث ایجاد یک نگرش یادگیری مستمر و یک ذهنیت رشد می شود که هر دو برای نوآوری ضروری هستند (هافستاین^{۲۳} و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۲۱۰). با ایجاد محیطی که کنجکاوی را تشویق و تجلیل می کند، سازمان ها می توانند پتانسیل اکتشافات و راه حل های پیشگامانه را باز کنند.

الهام بخشیدن به فرهنگ کنجکاوی مستلزم رویکردی چند وجهی است که از موسسات آموزشی شروع می شود و به محل کار و جوامع گسترش می یابد (لوونشتاین^{۲۴}، ۲۰۱۷، ص. ۱۲۲). در مدارس، مربیان می توانند با تشویق به یادگیری فعال، گنجانیدن سؤالات باز

¹⁹ Hennessey

²⁰ Du

²¹ Littman and Sylvia

²² Kashdan

²³ Hofstein

²⁴ Loewenstein

در درس ها و فراهم کردن فرصت هایی برای کاوش مستقل، کنجکاوی را ترویج کنند (هنسی و آمابیل، ۲۰۱۴، ص. ۸۹). تأکید بر فرآیند یادگیری و تجلیل از تلاش بر نتایج، انگیزه درونی دانش آموزان را برای جستجوی دانش پرورش می دهد (رایان و دسی^{۲۵}، ۲۰۱۷، ص ۳۴۰). علاوه بر این، فراهم کردن دسترسی به منابع یادگیری متنوع و قرار دادن دانش آموزان در معرض رشته‌های مختلف، آنها را تشویق می کند تا علایق و علایق خود را کشف کنند (لوونشتاین، ۲۰۱۷، ص ۱۲۲). با گذاشتن این پایه کنجکاوی در آموزش، دانش آموزان را برای تبدیل شدن به متفکرانی کنجکاو و نوآور آماده می کنیم.

در محل کار، رهبران نقش مهمی در پرورش فرهنگ کنجکاوی و نوآوری دارند (گران^{۲۶}، ۲۰۱۶، ص ۱۸۰). آنها می توانند محیطی ایجاد کنند که کارکنان را تشویق به آزمایش، ریسک کردن و به اشتراک گذاشتن ایده ها بدون ترس از قضاوت کند (آمابیل، ۲۰۱۸، ص. ۵۵). توانمندسازی کارکنان برای پیگیری پروژه‌های پرشور و اختصاص زمان برای تلاش‌های خلاقانه، پیام روشنی را می فرستد که کنجکاوی و نوآوری ارزشمند است (هافستاین^{۲۷} و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۹۰). به علاوه، رهبران می توانند با جستجوی فعالانه بازخورد، پرسیدن سؤالات تفکر برانگیز، و نشان دادن تمایل به یادگیری از دیگران، کنجکاوی خود را مدل کنند (گران^{۲۶}، ۲۰۱۶، ص ۱۸۰). هنگامی که کارکنان احساس می کنند در جستجوی دانش و خلاقیت از آنها حمایت می شود، احتمال بیشتری دارد که ایده های نوآورانه خود را به سازمان ارائه دهند.

علاوه بر این، همکاری و تنوع اجزای اساسی یک فرهنگ نوآورانه هستند (وست^{۲۸} و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۷۸). هنگامی که افراد با پیشینه‌های مختلف گرد هم می آیند تا دیدگاه‌های خود را به اشتراک بگذارند، جرقه‌ای از برخورد خلاقانه از ایده‌ها می شود (هونگ

²⁵ Ryan and Desi

²⁶ grant

²⁷ Hofstein

²⁸ West

و پیچ^{۲۹}، ۲۰۱۸، ص. ۶۷). تشویق همکاری بین رشته ای و ایجاد فضاهایی برای تعاملات خودجوش می تواند منجر به پیشرفت های غیرمنتظره و راه حل های جدید شود (وست و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۷۸). علاوه بر این، فراگیر بودن و ایمنی روانی در تیم ها برای اطمینان از اینکه هر عضو در اشتراک گذاری ایده های خود و ریسک کردن احساس راحتی می کند، حیاتی است (ادموندسون^{۳۰}، ۲۰۱۸، ص ۴۵). با پرورش فرهنگ باز بودن و پذیرش دیدگاه های متنوع، سازمان ها می توانند از قدرت خلاقیت جمعی استفاده کنند.

به رسمیت شناختن و جشن گرفتن نوآوری برای حفظ یک ذهنیت و فرهنگ نوآورانه بسیار مهم است (کاشدان و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۶۷). سازمان ها می توانند برنامه های شناسایی ایجاد کنند که ایده ها و راه حل های خلاقانه را تأیید کرده و به آنها پاداش می دهد (آماییل، ۲۰۱۸، ص ۵۵). تجلیل عمومی از تلاش ها و دستاوردهای افراد و تیم ها نه تنها روحیه را تقویت می کند، بلکه نشان می دهد که نوآوری یک هدف ارزشمند سازمانی است. علاوه بر این، به اشتراک گذاری داستان های موفقیت و درس های آموخته شده از ابتکارات نوآوری، دیگران را برای کشف احتمالات جدید و انجام جهش های نوآورانه الهام می بخشد (گران، ۲۰۱۶، ص ۱۸۰). با تعبیه جشن نوآوری در بافت سازمانی، می توان چرخه مستمری از کنجکاوی و خلاقیت را تداوم بخشید.

پذیرش یک طرز فکر نوآورانه و الهام بخشیدن به فرهنگ کنجکاوی برای پیشبرد پیشرفت و موفقیت در دنیای مدرن ضروری است. با ترویج کنجکاوی و ذهنیت رشد در مؤسسات آموزشی، تشویق ریسک پذیری و تنوع در محیط کار، و به رسمیت شناختن و جشن گرفتن نوآوری، سازمان ها می توانند نیروی کار و جامعه ای از افراد را پرورش دهند که مجهز به مقابله با چالش های پیچیده و ایجاد تغییرات مثبت هستند. سفر پذیرش ذهنیت نوآورانه با کنجکاوی آغاز می شود و با تعهد به یادگیری، آزمایش و همکاری ادامه

²⁹ Hong & Page

³⁰ Edmondson

می یابد. وقتی روح کنجکاوی را در آغوش می گیریم، خود را به روی امکانات بی حد و حصر نوآوری باز می کنیم.

فراثر از مرزهای متعارف: بازتعریف خلاقیت در آموزش

خلاقیت یک جنبه چند وجهی و ضروری از بیان انسان است که باعث ایجاد نوآوری، حل مسئله و رشد شخصی می شود. در آموزش، مفهوم خلاقیت اغلب به هنرها یا حوزه‌های خاص محدود می شود و کاربرد وسیع تر آن در بین رشته‌ها نادیده گرفته می شود. این بخش نیاز به بازتعریف خلاقیت در آموزش را بررسی می کند، جلوه‌های متنوع آن را می شناسد و از رویکردی جامع حمایت می کند که تفکر خلاق را تشویق می کند، کنجکاوی را پرورش می دهد و فردیت را پرورش می دهد.

به طور سنتی، خلاقیت با تلاش های هنری مانند نقاشی، موسیقی و نوشتن همراه بوده است. در حالی که این اشکال خلاقیت غیرقابل انکار ارزشمند هستند، تمرکز نزدیک بینانه بر هنر، درک ما از پتانسیل واقعی خلاقیت را محدود می کند (آماییل، ۲۰۱۶، ص ۴۵). در دنیایی که به سرعت در حال تغییر است، جایی که مشکلات پیچیده نیازمند راه حل های نوآورانه هستند، خلاقیت باید از مرزهای مرسوم فراتر رود (سایر، ۲۰۱۴، ص ۷۸). با بسط تعریف خلاقیت برای دربرگرفتن تفکر انتقادی، حل مسئله و تفکر اصیل در سراسر رشته‌ها، می توانیم قدرت دگرگون کننده آن را در آموزش باز کنیم (استرنبرگ و لوبارت^{۳۱}، ۲۰۱۸، ص ۱۱۲).

برای بازتعریف خلاقیت در آموزش، مهم است که تشخیص دهیم تفکر خلاق محدود به تعداد کمی از دانش آموزان نیست، بلکه می تواند در همه دانش آموزان پرورش و پرورش داده شود (پلاکر^{۳۲} و همکاران، ۲۰۱۵، ص ۲۰۲). تأکید بر خلاقیت به عنوان

³¹ Sternberg & Lubart

³² Plucker

مهارتی که می تواند توسعه یابد، مربیان را قادر می سازد تا آن را در برنامه درسی در سراسر موضوعات ادغام کنند (روت برنشتاین^{۳۳} و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۲۳۰). با ترکیب تمرین های تفکر خلاق، تکالیف باز و فرصت هایی برای ابراز وجود در موضوعات مختلف، دانش آموزان را قادر می سازیم تا از پتانسیل خلاق خود استفاده کنند و به عنوان متفکران نوآور رشد کنند (آماییل، ۲۰۱۶، ص ۴۵).

علاوه بر این، کنجکاوی نقش مهمی در پرورش خلاقیت دارد (لیتمن و سیلویا، ۲۰۱۵، ص ۹۰). ذهن های کنجکاو به طور طبیعی تمایل به کاوش، پرسیدن سؤال و جستجوی راه حل های جدید دارند (هنسی و آماییل، ۲۰۱۴، ص ۸۹). در زمینه آموزش، تشویق کنجکاوی با پرورش خلاقیت همراه است (کاشدان و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۶۷). معلم می تواند با معرفی مشکلات دنیای واقعی، تشویق به تحقیقات مستقل و ترویج فضای امن برای پرسش و کاوش، کنجکاوی را پرورش دهند (لیتمن و سیلویا، ۲۰۱۵، ص ۱۰۲). با ایجاد یک محیط کلاسی که برای کنجکاوی ارزش قائل است، مربیان می توانند جرقه خلاقیت را در دانش آموزان خود روشن کنند.

علاوه بر پذیرش خلاقیت به عنوان یک جنبه اساسی آموزش، مهم است که اذعان کنیم که بیان خلاق در افراد متفاوت است. هر دانش آموز دارای استعدادها، علایق و شیوه های تفکر منحصر به فردی است که باید مورد تجلیل و تشویق قرار گیرد (کافمن و بگتو، ۲۰۱۷، ص ۵۵). یک رویکرد یک اندازه برای همه آموزش، خلاقیت را مختل می کند، زیرا ممکن است با نقاط قوت و علایق هر دانش آموز همخوانی نداشته باشد (استرنبرگ و لوبارت، ۲۰۱۸، ص ۱۱۲). پذیرش تنوع و حمایت از اشکال متعدد بیان خلاق می تواند به باز کردن پتانسیل خلاقیت کامل هر دانش آموز کمک کند (پلاکر و همکاران، ۲۰۱۵، ص ۲۰۲).

خلاقیت نه تنها تولید ایده‌های بدیع، بلکه به کار بردن آنها به شیوه‌های معنادار است (سایر، ۲۰۱۴، ص ۷۸). در آموزش، این به معنای پرورش فرهنگی است که ریسک‌پذیری و آزمایش را تشویق می‌کند (هنسی و آمابیل، ۲۰۱۴، ص ۸۹). معلمان می‌توانند محیط حمایتی را فراهم کنند که در آن دانش‌آموزان احساس امنیت کنند تا رویکردهای جدید را امتحان کنند و از شکست‌های خود درس بگیرند. تاکید بر فرآیند خلاقیت و عدم تاکید بر ترس از شکست به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا ذهنیت رشد را در آغوش بگیرند و با انعطاف‌پذیری و قاطعیت به چالش‌ها برخورد کنند (دوک، ۲۰۱۵، ص ۱۰۲). از طریق فرآیندهای تکراری آزمون و خطا، دانش‌آموزان می‌توانند ایده‌های خود را اصلاح کنند و اعتماد به نفس خود را برای مقابله خلاقانه با مشکلات پیچیده توسعه دهند.

همکاری یکی دیگر از اجزای کلیدی خلاقیت در آموزش است (پلاکر و همکاران، ۲۰۱۵، ص ۲۰۲). با کار در تیم‌های متنوع، دانش‌آموزان در معرض دیدگاه‌ها و بینش‌های متفاوتی قرار می‌گیرند. پروژه‌های مشارکتی ارتباطات، همکاری و خلاقیت جمعی را تقویت می‌کنند (وست و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۷۸). معلمان می‌توانند تجارب یادگیری مشارکتی را تسهیل کنند که دانش‌آموزان را برای ترکیب ایده‌های خود و کار با هم در جهت یک هدف مشترک به چالش می‌کشد (هونگ و پیچ، ۲۰۱۸، ص ۶۷). با ترویج کار گروهی و وابستگی متقابل، مربیان دانش‌آموزان را قادر می‌سازند تا قدرت خلاقیت جمعی را تجربه کنند.

بازتعریف خلاقیت در آموزش برای تجهیز دانش‌آموزان به مهارت‌ها و طرز فکر لازم برای پیشرفت در دنیای مدرن ضروری است. با گسترش درک خود از خلاقیت برای در بر گرفتن اشکال مختلف بیان و تفکر، می‌توانیم پتانسیل کامل هر دانش‌آموز را آزاد کنیم. پرورش کنجکاوی، پذیرفتن فردیت، تشویق به ریسک‌پذیری و تقویت همکاری، ستون‌های کلیدی این رویکرد بازتعریف شده برای خلاقیت است. با ادغام خلاقیت در سراسر برنامه

درسی و ایجاد فرهنگی که نوآوری را ارج می نهد، آموزش می تواند به کاتالیزوری برای پرورش متفکران خلاق و حل کننده مشکلات آینده تبدیل شود.

پرورش مبتکران فردا: پرورش ذهنیت رشد

در دنیای پر شتاب و همیشه در حال تغییر امروزی، پرورش ذهنیت رشد در میان دانش آموزان به طور فزاینده ای حیاتی شده است. ذهنیت رشد، بر خلاف ذهنیت ثابت، بر این باور تأکید دارد که توانایی ها و هوش را می توان از طریق فداکاری و سخت کوشی توسعه داد. این بخش به اهمیت پرورش ذهنیت رشد در آموزش می پردازد، بررسی می کند که چگونه می تواند الهام بخش نوآوری باشد، انعطاف پذیری را افزایش دهد و پایه و اساس نسلی از افراد آینده نگر را بنیان گذارد.

طرز فکر رشد بیش از یک نگرش مثبت است. این یک تغییر پارادایم است که نحوه درک دانش آموزان از خود و توانایی هایشان را تغییر می دهد (دوک، ۲۰۱۶، ص. ۴۵). با پرورش ذهنیت رشد، مربیان می توانند دانش آموزان را توانمند سازند تا چالش ها را به عنوان فرصت هایی برای رشد بپذیرند، نه اینکه آنها را به عنوان موانع ببینند (یگر^{۳۴} و دوک، ۲۰۱۲، ص. ۷۸). این تغییر دیدگاه برای پرورش مبتکران فردا بنیادی است، زیرا دانش آموزان را تشویق می کند تا به دنبال چالش های جدید باشند و در تعقیب اهداف خود ریسک کنند (بلک ول^{۳۵} و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۱۱۲).

هنگامی که دانش آموزان بر این باورند که تلاش و پشتکار آنها می تواند منجر به بهبود شود، در مقابل شکست ها انعطاف پذیرتر می شوند (هایموویتز و دوک^{۳۶}، ۲۰۱۶، ص. ۹۰). شکست به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از فرآیند یادگیری، به جای بازتابی از نارسایی، مجدداً در نظر گرفته می شود. با ترویج یک طرز فکر رشد، مربیان می توانند محیطی ایجاد

³⁴ Yeager

³⁵ Blackwell

³⁶ Haimovitz & Dweck